

تحول تاریخی ساخت‌های صفات تفضیلی و عالی در ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی و فارسی نو

ساریه صحابی^۱

کارشناسی ارشد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران

(از ص ۴۱ تا ص ۵۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱/۳۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۲/۱۶

چکیده

صفات تفضیلی و عالی با اضافه شدن برخی پسوندها به صفت مطلق ساخته می‌شوند. در این مقاله سیر تحول پسوندهای تفضیلی و عالی از ایرانی باستان تا فارسی نو توضیح داده شده است. در ابتدا توضیحی در مورد پیشینه هندواروپایی این پسوندها آورده شده است. در بخش بعدی با توجه به شباهت‌های زیاد بین دو زبان اوستا و سنسکریت، بررسی این پسوندها در اوستا و سنسکریت با هم در یک فصل آورده شده است. اساس کار در این بخش بر مبنای کار واکرناگل بوده است؛ واکرناگل در کتاب خود این پسوندها را در سنسکریت بررسی نموده است. پرداختن به کارکردهای این صفات بدان گونه که واکرناگل بدان پرداخته است در زبان‌های ایرانی باستان و نیز مقایسه کارکردهای این پسوندها بین ایرانی باستان و سنسکریت تاکنون صورت نگرفته است. در این بخش با توجه به کار واکرناگل کارکرد این پسوندها در زبان‌های ایرانی باستان بررسی و با سنسکریت مقایسه شده است. در بخش‌های بعدی بررسی این پسوندها به ترتیب در فارسی باستان، ایرانی میانه غربی و فارسی نو صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: دستور تاریخی، هندواروپایی، زبان‌های ایرانی، صفت مطلق، صفت تفضیلی، صفت عالی.

۱- مقدمه

در زبان هندواروپایی برای ساخت صفات تفضیلی و عالی از یک دسته پسوندها استفاده می‌شده که بنابر آنچه اکثر زبان‌شناسان تقسیم‌بندی کرده‌اند، به دو دسته اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند؛ منظور از پسوندهای اولیه پسوندهایی است که به ریشه یا ستاک فعلی می‌چسبند و پسوند ثانویه آنهاست که به ستاک اسمی می‌چسبند. پسوند اولیه صفت تفضیلی‌ساز *-es** و پسوند اولیه صفت عالی‌ساز *-isto** است؛ پسوند ثانویه صفت تفضیلی‌ساز *-tero** و پسوند صفت عالی‌ساز ثانویه *-tmo** است. البته با توجه به نمونه‌هایی که بروگمان^۱ (۱۹۷۲/۲: ۷-۱۰۶) ذکر کرده پسوندهای *-es** و *-isto** همواره به ریشه نمی‌چسبند و گاهی خصوصیات یک پسوند ثانویه را می‌گیرند؛ مثلاً *brahm-īyas* (<Brahman) در سنسکریت؛ گاهی نیز پسوندهای *-tero** و *-tmo** در جایگاه یک پسوند اولیه قرار می‌گیرند.^۲ بنابراین شاید تقسیم‌بندی پسوندهای صفات تفضیلی و عالی هند و اروپایی به دو دسته اولیه و ثانویه چندان مناسب نباشد، علی‌الخصوص اینکه در هندواروپایی تنها پسوند *-es** برای مفهوم تفضیلی به کار می‌رود و پسوند *-tero** کارکرد تفضیلی ندارد و برای ایجاد تمایز بین دو جزء به کار می‌رود، یعنی تنها یک پسوند تفضیلی‌ساز در هندواروپایی داریم. این دو پسوند در اوستا تفضیلی‌ساز هستند؛ در اوستا پسوند *-tara* (از *-tero**) بیشتر از پسوند *-i ah* (از *-es**) برای ساخت صفت تفضیلی استفاده شده است و در دوره میانه و نو نیز همین پسوند است که برای ساخت صفت تفضیلی به کار می‌رود. بنابراین آنچه در مقاله پیش رو مورد نظر قرار گرفته، تقسیم‌بندی این پسوندها به دو دسته اصلی و غیر اصلی است.

دو پسوند *-isto** و *-tmo** در هند و اروپایی صفت عالی می‌سازند؛ در اوستایی و سنسکریت نیز هر دوی این پسوندها برای ساخت صفت عالی کاربرد زیادی دارند. هر دوی این پسوندها به دوره میانه هم رسیده‌اند. در فارسی نو این دو پسوند به صورت

^۱. Brugmann

^۲. بروگمان (۱۹۷۲/۲: ۷-۱۰۶) به طور کلی تقسیم‌بندی همه پسوندها را به اولیه و ثانویه نادرست می‌داند.

ثابت و نازایا در برخی از کلمات باقی مانده‌اند؛ در فارسی نو برای ساخت صفت عالی از پسوند «-ین» استفاده می‌شود که بازماندهٔ -ēn- در دورهٔ میانه است.

۲- پسوندهای تفضیلی و عالی در هندواروپایی

۱-۲- پسوندهای اصلی صفات تفضیلی و عالی در هندواروپایی

پسوند اصلی هندواروپایی برای ساخت صفت تفضیلی -es-^۱ و برای ساخت صفت عالی -isto-^۲ است؛ پسوند -isto-^۳ از دو پسوند -to-^۴ و -is-^۵ (که درجهٔ ضعیف پسوند تفضیلی‌ساز است) تشکیل شده است؛ اینکه از پسوند -es-^۶ در ساخت صفت عالی -isto-^۷ استفاده شده، می‌تواند دلیلی باشد در اثبات اینکه مفهوم تفضیلی بودن پسوند -es-^۸ وسیع‌تر از پسوند -tero-^۹ است (بروگمان، ۱۹۷۲/۲: ۴۲۶).

۲-۱-۱- پسوند -es-^{۱۰} هندواروپایی

صفات تفضیلی با پسوندهای -es-^{۱۱}، -os-^{۱۲} در هندوایرانی و لاتینی وجود دارد؛ نمونهٔ سنسکریت: san-yas- «پیرتر» برابر با کلمهٔ لاتینی seniōr^{۱۳} که معادل هندواروپایی‌شان به صورت sen-yos/sen-yōs^{۱۴} است. در ودایی علاوه بر شکل yas شکل yan هم داریم؛ به عنوان مثال: (نهادی مفرد) çréyān، çréyas «بهتر»؛ پسوند -es-^{۱۵} برای ساخت صفت تفضیلی در لیتوانیایی هم حفظ شده است. البته این پسوند در لیتوانیایی یک افزونهٔ غنهٔ -n- دارد و شکل esnis به خود می‌گیرد که در واقع همان yes-nis^{۱۶} است؛ مثلاً: saldesni «شیرین‌تر» (سمرینی، ۱۹۹۰: ۵-۱۹۴). در ژرمنی نیز پیش می‌آید که به دنبال پسوند -yes- افزونهٔ -n- می‌آید (میّه، ۱۹۶۴: ۲۷۰). مثلاً در گوتی: hard-iz-an «سخت‌تر».

اکثر زبان‌شناسان (رک. سمرینی، ۱۹۹۰: ۲۰۰) حدس زده‌اند که -es-^{۱۷} در اصل صفت تفضیلی‌ساز نبوده، بلکه اسم تشدید می‌ساخته است. میّه (۱۹۶۴: ۲۷۰) نیز این

^۱ . دلیل اینکه در لاتینی -os-^{۱۸} به صورت -or-^{۱۹} درآمده است، به سبب قانون آوایی ر-شدگی (rhotacism) (VsV > VrV) است که در لاتینی اتفاق می‌افتد (بروگر، ۲۰۰۳: ۱۰۲).

^۲ . Szemerényi

^۳ . Meillet

پسوندها را در اصل تفضیلی‌ساز نمی‌داند و معتقد است که این پسوند یک نوع از تشدید بودن را نشان می‌دهد؛ کلمه *yāj-īyas* «کسی که خیلی خوب قربانی می‌کند» مثال بسیار واضح برای نشان دادن مفهوم تشدید بودن این پسوند در ودایی است؛ سِمرینی (۱۹۹۰: ۲۰۰) روند تفضیلی شدن این پسوند را این‌گونه بیان می‌کند: اسم تشدید ساخته شده با پسوند *-es-** ابتدا به یک صفت تبدیل می‌گردد، که این صفت با یک صفت مطلق جفت می‌شود و بدین ترتیب یک حالت برتری بین این دو صفت ایجاد می‌گردد و از اینجا مفهوم تفضیلی به این پسوند داده می‌شود.

۲-۱-۲- پسوند *-isto-** هندواروپایی

پسوند صفت عالی از ترکیب درجه ضعیف پسوند *-es-** (یعنی *-is-*) با این پسوندها ساخته شده است: *-to**، *-th₂o**، *-mh₂o**. پسوند *-isto** در شاخه‌های مختلف زبان‌های هم‌خانواده وجود دارد، اما در زبان‌های هندی‌آریایی، یونانی و آلمانی شواهد بیشتری از آنها داریم مثلاً در سنسکریت: *máh-iṣṭha* و در اوستایی: *maθišta* و در ژرمنی (گوتی): *bat-ista* (سمرینی، ۱۹۹۰: ۱۹۶).

۲-۲- پسوندهای غیراصلی صفات تفضیلی و عالی در هندواروپایی

این پسوندها شامل دو پسوند *-tero** و *-tmo** است. این پسوندها غالباً به ستاک می‌چسبند. پسوند *-tero** در هند و اروپایی دارای مفهوم تفضیلی نیست؛ این پسوند در هندوایرانی و یونانی صفت تفضیلی‌ساز است؛ استفاده از پسوند *-tero** در کارکرد تفضیلی در این زبان‌ها پیشینه هندواروپایی ندارد و یک نوآوری در این زبان‌هاست (سمرینی، ۱۹۹۰: ۲۰۰). کارکرد اصلی پسوند *-tero** نشان دادن تقابل و تضاد بین دو جزء از یک جفت است.

۱-۲-۲- پسوند *-tero** هندواروپایی

این پسوند به صورت‌های *-(t)ro**، *-(t)ro**، *-(t)oro**، *-(t)ero** در هندواروپایی وجود دارد. پسوند *-(t)ero** گاهی به حرف‌های اضافه و پیشوندهای فعلی می‌چسبد و

صورت -tatos- دارد؛ البته خود پسوند -mo-* هم برای ساخت صفت عالی می‌رود: $\text{pulcra-is}^1\text{-emo} > \text{pulcerrimu-s}$ (بروگمان، ۱۹۷۲/۲: ۱۶۸). این پسوند در شاخه زبان‌های ایتالیک و سلتی تغییر عجیبی می‌کند؛ نه -isto-* و نه -tmmo-* به کار نمی‌رود، بلکه ساخت جدیدی به صورت -samo- یا -isamo- به کار می‌رود؛ این شکل جدید خصوصاً در سلتی مشاهده می‌شود به عنوان نمونه: -rigisamo- «مهربانانه‌ترین» (سمرینی، ۱۹۹۰: ۱۹۷). این پسوند گاهی ایجاد تقابلی بین چند چیز را نشان می‌دهد. مثلاً ka-tama-h «کدام از چند تا» در سنسکریت.

۳. پسوندهای تفضیلی و عالی در اوستایی و سنسکریت

پسوندهای اصلی هندواروپایی -es-* و -istHo-* در اوستایی به صورت -iiah- و -išta- و در سنسکریت به صورت (-yāns) -yas- و -iṣṭha- درآمده‌اند. پسوندهای غیراصلی هندواروپایی -tero-* و -tmo-* در اوستایی به صورت -tara- و -tama- و در سنسکریت -tara- و -tama- شده است.

در دوره کهن‌تر (ودایی و اوستای قدیم) تعداد کلماتی که با پسوندهای غیراصلی ساخته می‌شوند کمی بیشتر از کلماتی هستند که با پسوندهای اصلی ساخته می‌شوند، اما نه خیلی بیشتر؛ در اوستای قدیم نسبت کلمات دارای پسوندهای غیراصلی به کلمات دارای پسوند اصلی شش به پنج است و در ودا سه به دو؛ اما در اوستای جدید و هندی نو، نسبت کلمات دارای پسوند غیراصلی به کلمات دارای پسوند اصلی کاملاً فزونی می‌یابد (ویتنی^۲، ۱۸۸۹: ۱۷۶؛ واکرناگل^۳، ۱۹۵۴/۲: ۵۹۹). مقایسه دیگری هم می‌شود کرد: در اوستا نسبت کلمات دارای پسوندهای عالی (-išta- و -tama-) بیشتر از کلمات دارای پسوندهای تفضیلی (-i•ah- و -tara-) است؛ این فزونی بودن صفات عالی به این دلیل است که در اوستا، خصوصاً در بخش یشت‌های اوستا دعاها و نیایش‌های زیادی برای اهورامزدا و دیگر ایزدان با صفات عالی بیان شده است (تاگر^۴، ۲۰۰۹: ۵۰۹).

^۱ s همان صورت ضعیف صفت تفضیلی‌ساز -es-* است که در لاتینی به سبب قانون آوایی ر-شدگی (rhotacism) به r تبدیل شده است.

^۲ Whitney

^۳ Wackernagel

^۴ Tucker

۳-۱- پسوندهای اصلی تفضیلی و عالی در اوستایی و سنسکریت

پسوند اصلی تفضیلی‌ساز در اوستایی -i·ah- (شکل قوی -i·āh-) است؛ این پسوند در سنسکریت نیز دو شکل قوی و ضعیف دارد: یک درجه قوی به صورت -yāns-/yāms- (yāns-ī) در صرف‌های قوی مثل حالت نهادی، و درجه ضعیف به صورت -yas- در صرف‌های ضعیف می‌آید؛ شکل -yan- هم داریم که در صرف حالت ندایی مفرد مذکر ظاهر می‌شود (ویتنی، ۱۸۸۹: ۱۷۲).^۱ در ودایی -yas- گاهی دارا بودن یک ویژگی در بالاترین حد را نشان می‌دهد؛ این ویژگی -yas- از ودا تا سنسکریت کلاسیک باقی مانده است. در واقع این ویژگی پیشینه هندواروپایی دارد، یعنی همان ویژگی تشدید بودنی که ویژگی اصلی هندواروپایی -i·ah- است؛ مثلاً: -nāv(i)yas- «خیلی نو»؛ -tvákṣīyas- «خیلی بانشاط». این ویژگی به اوستایی نرسیده است (واکرناگل، ۱۹۵۴/۲: ۴۴۸). پسوند صفت عالی‌ساز در اوستایی -išta- و در سنسکریت به صورت -iṣṭha-^۲ است. گاهی این پسوند هم معنی تشدید دارد مثلاً tāpiṣṭha «بیش از اندازه سوزاننده» یا gamiṣṭha «خصوصاً (شدیداً) به اینجا آینده‌ترین». در سنسکریت کاربرد پسوندهای اصلی در متون قدیمی‌تر بیشتر از متون جدید است؛ در متون جدید اکثراً پسوندهای غیراصلی به جای این پسوندها جایگزین شده‌اند؛ در سنسکریت کلاسیک تعداد محدودی از این پسوندها مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ در ودا و براهمنه‌ها، روی هم در حدود صد نمونه ساخت‌دارای این دو پسوند وجود دارد (ویتنی، ۱۸۸۹: ۴-۱۷۳).^۳

۳-۲- پسوندهای غیراصلی تفضیلی و عالی در اوستایی و سنسکریت

در اوستایی -tara- صرفاً برای ساختن صفت تفضیلی به کار می‌رود. در سنسکریت علاوه بر ساختن صفت تفضیلی، این پسوند گاهی برای نشان دادن «تمایز» هم به کار می‌رود، یعنی ویژگی هندواروپایی این پسوند به دوره هندی رسیده است، اما در شواهد موجود

^۱ البته در ودایی در حالت مذکر ندایی -yas- به جای -yan- آمده است.

^۲ فقط در ودایی است که شکل دمشی هندواروپایی این پسوند حفظ شده است: -iṣṭha- < -iṣṭha- IE.*-istho- (واکرناگل، ۱۹۵۴/۲: ۴-۴۴۳).

^۳ در اوستای قدیم نیز کاربرد پسوندهای اصلی بیشتر است. از پسوندهای غیراصلی در گاهان (۱/۳۴) و در هفت ها (۲/۴۱، ۳، ۴/۳۵، ۵/۳۷، ۳/۳۷) تنها -tama- به کار رفته است.

اوستایی نشانی از این ویژگی نیست. پسوند -tāma- صفت عالی‌ساز است. این پسوند هم در اوستا و هم در سنسکریت به عنوان پسوند اعداد ترتیبی نیز کاربرد دارد که ادامه پیشینه هندواروپایی این پسوند است. قبل از این پسوندها ممکن است صفت، اسم، ضمیر، قید... بیاید؛ اینکه این پسوندها علاوه بر پیوستن به صفت به اسم، ضمیر، قید و پیشوند می‌چسبند پیشینه هندواروپایی دارد.

صفات تفضیلی و عالی‌ای که بر روی «صفت» ساخته می‌شوند: در اوستا و سنسکریت پسوندهای غیراصلی می‌توانند به هر صفتی بچسبند، چه صفات ساده، چه صفات مرکب، چه صفات مختوم به صامت، چه صفات مختوم به مصوت...؛ این ویژگی پیشینه هندواروپایی دارد (ویتنی، ۱۸۸۹: ۱۷۵). صفت مطلق ممکن است به صورت صفت مرکب یا مشتق باشد، مثل کلمه مرکب اوستایی hu-baoiḍi-tara-/-tāma- «خوشبوتر، خوشبوترین»؛ مثل کلمه مشتق سنسکریت á-viduṣ-tara- «نادان‌تر». این صفت مرکب یا مشتق ممکن است با سایر پیشوندها مثل -a(an)- duṣ-.... هم بیاید. صفت مطلق می‌تواند صفت مفعولی باشد مثل اوستایی huyašta-tara- «ستودنی‌تر»؛ نمونه سنسکریت مثل -índra-vāta-tama- «از ایندیره زیاد خواستن».

صفات تفضیلی و عالی‌ای که بر روی «اسم» ساخته می‌شوند: گاهی این پسوندها به اسم می‌چسبند و صفت تفضیلی یا عالی می‌سازند. این ویژگی پیشینه هندواروپایی دارد (واکرناگل، ۱۹۵۴/۲: ۶۰۱). در اوستایی این اسم هر جنسی داشته باشد وقتی که با این پسوندها بیاید، به صورت ستاک مذکرش می‌آید و هیچ تغییری در پسوند هم ایجاد نمی‌شود، مثلاً در کلمه اوستایی -daošā* که اسم مؤنث است، که صفت تفضیلی آن daošatara- است مشاهده می‌کنیم که اسم بدون نشانه مؤنثش (ā) آمده است و نیز پسوند هم تغییری نکرده است (یعنی a بدل به ā نشده است)؛ در سنسکریت نیز وقتی که یک اسم این پسوندها را بگیرد، به صورت ستاک مذکرش می‌آید، اما صفت تفضیلی یا عالی به دست آمده جنس این اسم را می‌گیرد مثل -n•tama- «مردترین» یا -māt•tamā- «مادرترین» (واکرناگل، ۱۹۵۴/۲: ۶۰۱). کلمات مؤنثی که ā دارند قاعده ثابتی ندارند، گاهی این ā قبل از پسوند کوتاه می‌شود، گاهی بلند می‌ماند. در کلمات مؤنثی که ā دارند، ā باقی می‌ماند (واکرناگل، ۱۹۵۴/۲: ۶۰۷).

صفات تفضیلی و عالی‌ای که بر روی «ضمیر، قید، پیشوند» ساخته می‌شوند: برخی ضمیرها مانند *ya,ka...* گاهی *-tara-* و *-tōma-* می‌گیرند و ساخت جدید، معمولاً معنی قید تفضیلی دارند. این نوع ساخت پیشینه هندواروپایی دارد. اگر این ضمائر *-tara-* بگیرند، برتری یک چیز بر دیگری یا انتخاب یکی از دو تا را نشان می‌دهد و اگر *-tōma-* بگیرد برتری یکی از میان چندین چیز یا انتخاب یک چیز از میان چند چیز را نشان می‌دهد: به عنوان نمونه در اوستای جدید: *katāra* برابر با ودایی *katará* «کدام یکی از دو تا؟» یا *katāma* برابر با ودایی *katamá* «کدام؟» یا *yatāra* برابر با ودایی *yatará* «کدام یکی از دو تا؟». گاهی *-tara-* و *-tōma-* به برخی از پیشوندها (*-a, -fra...*) اضافه می‌شوند؛ به عنوان نمونه در اوستای جدید *antara* «درونی، دیگری» و *antōma* «درونی‌ترین» برابر با کلمات ودایی (*ánatara-* و *antamá-*) (واکرناگل، ۱۹۵۴/۲: ۶۰۴ و ۶۰۷).

۴- پسوندهای تفضیلی و عالی در فارسی باستان

شواهدی که از صفات تفضیلی و عالی در فارسی باستان موجود است بسیار محدود است. در فارسی باستان نیز همانند اوستا و سنسکریت پسوندها به دو دسته اصلی و غیراصلی تقسیم می‌شوند؛ پسوند اصلی تفضیلی‌ساز *-es-* / *-os-* و پسوند اصلی عالی‌ساز *-isto-* است؛ این پسوندها به ریشه می‌چسبند (کنت^۱، ۱۹۵۳: ۶۶). مثال برای صفت تفضیلی: با پسوند *-yah-*: *tauviyā* (نهادی مفرد مذکر) که *-i*ōs-* به صفت مطلق *-tau-ma** «قوی» چسبیده است و معادل آن در سنسکریت *sthāvīyān* (نهادی مفرد مذکر) از صفت مطلق *-sthū-rá-* است؛ یا صفت تفضیلی *-yah-yas-* که در *vahyaz-dāta-* آمده از صفت مطلق *-vah-u-* «خوب» است؛ معادل سنسکریت این ساخت *vāsu-* است. با پسوند *-tara-*: *fratara-* «پیش‌تر، مقدم، دیگر». مثال برای صفت عالی: با پسوند *-išta-*: *maθišta-* (مفرد مذکر نهادی) «بزرگ‌ترین» (*maθ + išta-* «بزرگ»); *maθištam* (مفرد مذکر رایبی); نمونه دیگر: *duvaiš[ta]m* (رایبی مفرد خنثی) «برای مدتی خیلی طولانی» به عنوان قید به کار می‌رود؛ معادل

^۱. Kent

سنسکریت -dāviṣṭha «دورترین» که از صفت مطلق -dūra است. با پسوند -tama: -fratama «مهم‌ترین، پیش‌ترین، مقدم‌ترین».

۵- پسوندهای تفضیلی و عالی در ایرانی میانه غربی

۵-۱- پسوندهای تفضیلی در ایرانی میانه غربی

در ایرانی میانه غربی، دو نوع صفت تفضیلی وجود دارد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۶۰):

۱. صفت تفضیلی سماعی ۲. صفت تفضیلی قیاسی

۱. صفت‌های تفضیلی سماعی ایرانی میانه غربی بازمانده‌های آن دسته از صفت‌های تفضیلی ایرانی باستانند که با پسوند -yah- ساخته شده‌اند. به عبارتی صفت‌های تفضیلی ایرانی باستان مختموم به -yah- در فارسی میانه معمولاً به صورت صفات تفضیلی خاص ظاهر می‌شوند. پایانه آن‌ها به -y- (mahy «بزرگ‌تر») کاهش یافته یا پس از دگرگونی‌های بعدی، پیشین شدن مصوت در آن پیش می‌آید و -y- از پایان آن می‌افتد (meh «بزرگ‌تر»). تعداد این گونه صفت‌ها محدود است: به عنوان نمونه در فارسی میانه زردشتی: wēš که از فارسی باستان -vasyah است؛ این کلمه در فارسی نو «بیش» شده است. نمونه دیگر در فارسی میانه زردشتی: meh که از فارسی باستان -maθyah است؛ این کلمه در فارسی نو «مه» شده است. نمونه دیگر در فارسی میانه زردشتی: keh که از فارسی باستان -kaθyah است؛ این کلمه در فارسی نو «که» شده است. نمونه دیگر در فارسی میانه زردشتی: frāy, frēh که از فارسی باستان -fr•yah* است؛ این کلمه در فارسی نو «فره» شده است. البته meh, keh, weh را می‌توان wēh, mēh, kēh هم خواند و حتی تلفظ wih, mih, kih که بعضی آورده‌اند یکسره منتفی نیست؛ در فارسی دری کیه، میه و بیه هم آمده است.

۲. صفت‌های تفضیلی قیاسی، در پهلوی اشکانی ترفانی، با پسوندهای -istar- و -ādar-، در فارسی میانه ترفانی با پسوند -dar- و در فارسی میانه زردشتی با پسوند -tar- ساخته می‌شوند:

صفت مطلق	صفت تفضیلی
Wuzurg	wuzurgistar
Wuzurg	wuzurgdar
Wuzurg	wuzurgtar

پسوند -istar- از ترکیب پسوندهای -išta- و -tara- است که در ایرانی باستان به ترتیب برای ساخت صفت عالی و صفت تفضیلی استفاده می‌شد (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۵۸):
 aṣ imīn harwīn tō wuzurgistar ud rōšnistar ay. (e 2)

از همه اینها تو بزرگ‌تر و روشن‌تری.

در پهلوی اشکانی گاه پسوندهای -dar-، -tar- یا -ādar-^۱ نیز برای ساختن صفت تفضیلی به کار می‌رود که بازمانده‌های -tara-^{*}ی ایرانی باستانند (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۵۸):
 pattūd čār aṣ masādarān...pattūd čār aṣ kasādar parxūdan ud anēž
 ispist saxwan. (r 2)

باید از مهتران... (و) از کهتر ناسزا گفتن و دیگر سخن زننده را تحمل کرد.

*wadtar در متون پهلوی گاهی صفت مطلق است چنانکه weh هم گاهی صفت مطلق است (اسم‌های wadtariḥ و wehī به این اعتبار ساخته شده‌اند). این به سبب تأثیر اوستا در متون پهلوی است: wadtar ترجمه ašyah و weh ترجمه vahyah است. در اوستا گاهی برای بیان شدت تقابل میان خیر و شر ممکن است بگویند «خوب و بدتر» یا «بهتر و بد»، به جای اینکه بگویند «خوب و بد»؛ این در مورد صفات هم‌معنا هم صادق است؛ مثال مشهور آن یسن ۴۵ بند ۲ و یسن ۳۰ بند ۳ است:

(یسن ۴۵ بند ۲) yayā spanyā ūiiti mravaṭ yēm angrēm.

از میان آن دو، آن «سپندتر» به آن «زدار» گفت.

(یسن ۳۰ بند ۳) tā mainyū...šyaoθanōi hī vahyō akəmčā.

آن دو مینو... در کردار «بهترین و بد» هستند.

^۱. بسنجید با واژه سنسکریت -pāpiṣṭhatara- به معنی «بدتر»، که در آن پسوند صفت تفضیلی (-tara-) به پسوند صفت عالی (-iṣṭha-) پیوسته است.

^۲. این ā یا میانجی است یا ممکن است به این دلیل باشد که در کلماتی که به ā ختم می‌شوند و پسوند -dar- گرفته‌اند و پسوند به صورت -ādar- درآمده است، پس از آن قیاساً این ā به صفات دیگر هم توسعه یافته است.

۵-۲- پسوندهای عالی در ایرانی میانه غربی

در ایرانی میانه غربی، صفت عالی به شیوه‌های زیر ساخته می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۶۱؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۵۸):

۱. با افزودن پسوند *išt*- (در پهلوی اشکانی) و *išt*-^۱ (در فارسی میانه) به صفت مطلق. *išt*- و *ist*- بازمانده‌های *išta*-^{*}ی ایرانی باستانند:

صفت عالی	صفت مطلق	
<i>masišť</i>	<i>mas</i>	پهلوی اشکانی
<i>burzist</i>	<i>burz</i>	فارسی میانه

۲. با افزودن پسوند *-d/tum* به صفت مطلق (این پسوند بازمانده‌ی *-tama*-^{*}ی ایرانی باستان است). پس از این پسوند ممکن است پسوند *ēn*^۲ بیاید:

صفت عالی	صفت مطلق	
<i>ērdum</i>	<i>ēr</i>	فارسی میانه

صفت عالی در زبان پهلوی اشکانی به علاوه با افزودن پسوند *-istum*^۳ به صفت مطلق ساخته می‌شود. این پسوند در واقع ترکیب پسوندهای *-išta*- و *-tama*- است که هر دو پسوندهای سازنده صفت عالی در ایرانی باستان بوده‌اند (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۵۸):

rōšnān frihistum, šahrđār Mašihā, bayān bayistum. (ah 3)

(ای) گرامی‌ترین روشنی‌ها، (ای) مسیح شهریار، (ای) خداترین خدایان!

yazadān abardum, wuzurgān xwadāy. (ah 3)

برترین ایزدان، خداوندگار بزرگان.

žīwandagān zāwar ud masišť gēhān drōd abar tō. (ay 1)

درود نیروی زندگان و بزرگ‌ترین جهان بر تو (باد)!

^۱. گروه *št* ایرانی باستان، در پهلوی اشکانی باقی مانده است؛ در فارسی میانه به *st* بدل شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۷).

^۲. پسوند *ēn* بازمانده *ayana* باستانی است.

^۳. اینکه *a* در *tama* در ایرانی میانه *um* شده است به دلیل پیشین شدن *a* قبل از *m* است.

برخی صفات عالی، همانند صفات تفضیلی سماعی، بازمانده صفات عالی باستانی مختوم به -išta* هستند، مانند: mahist «مہست، بزرگ‌ترین»، kahist «کوچک‌ترین»، wēšist «بیشترین»، frahist «بیشترین»، wahišt «بہشت (در اصل: بہترین)».

۶- پسوندهای تفضیلی و عالی در فارسی نو

۶-۱- صفت تفضیلی در فارسی نو

فارسی نو دارای دو نوع صفت تفضیلی است: ۱. صفت تفضیلی قیاسی ۲. صفت تفضیلی سماعی (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۶۸)

۱. صفت‌های تفضیلی قیاسی در فارسی نو، از صفت مطلق با پسوند «تر» (از فارسی میانه زردشتی tar-) ساخته می‌شوند:

صفت مطلق	صفت تفضیلی
بزرگ	بزرگ‌تر
بلند	بلندتر
زیبا	زیباتر

۲. صفت‌های تفضیلی سماعی دو منشأ دارند:

الف) صفت‌های تفضیلی سماعی‌ای که بازمانده‌های صفت‌های تفضیلی سماعی فارسی میانه‌اند مثل فرہ، مہ، بہ، بیش، کم...

فرہ: در فرہ دادن شنیده در کمون حکمت لولا رجال مؤمنون

ب) اسم تفضیل‌های عربی هم در فارسی هم به عنوان صفت تفضیلی به کار می‌روند بی‌آنکه پسوند «تر» بگیرند^۱ مانند: افضل، اشهر، اعظم، اولی، ارشد، اصلح (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۶۳)؛ به عبارتی می‌توان گفت که اینها صفت‌های تفضیلی سماعی هستند. به هر یک از صفت‌های تفضیلی سماعی اصیل و دخیل ممکن است «تر» برای تأکید اضافه شود مثل کھتر: از خداوندی و از فضل چه دانی که چه کرد آن ملک‌زادہ کھترپور

^۱ صفت‌های عربی را که بر این وزن است نمی‌توان با پسوندهای «تر» و «ترین» آورد. پس کلماتی مانند «ارشدتر» و «اصلح‌تر» اشتباه است؛ اینگونه صفت‌های عربی هم معنی تفضیلی و هم معنی عالی را بیان می‌کنند (خانلری، ۱۳۷۷: ۱۹۱).

۶-۲- پسوندهای عالی در فارسی نو

صفت عالی در فارسی نو، از اضافه شدن پسوند «-ین» (از فارسی میانه ēn-) به صفت مطلق و به صفت تفضیلی ساخته می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۶۹):

صفت مطلق: اول

صفت عالی: اولین

صفت تفضیلی: بزرگ / به

صفت عالی: بزرگ‌ترین / بهین

پسوندهای -ist و -t/dum فارسی میانه به فارسی نو نرسیده‌اند؛ آن پسوندها چون جزئی مرده در واژه‌های زیر دیده می‌شوند: مهست، نخست، درست

*گاهی بعضی صفت‌ها و گروه‌های وصفی بی‌داشتن پسوند عالی‌ساز معنی صفت عالی می‌دهند مانند: «کمال»، «تمام و کمال» و گاهی با پسوند «تر» چنین‌اند مانند: «هرچه تمام‌تر»، «هرچه بیشتر». به عنوان مثال «با سرعت هرچه تمام‌تر می‌رفت» یعنی «با تمام‌ترین سرعت» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۴۶).

*کلمه «کدام» بازمانده «کدام» ka-tama-h سنسکریت است که در اینجا پسوند tama عالی بودن را نشان نمی‌دهد بلکه همان طور که در بخش هندواروپایی توضیح داده شد در اینجا این پسوند ایجاد تقابل بین چند چیز را نشان می‌دهد.

۷- نتیجه

در زبان هندواروپایی برای ساخت صفات تفضیلی و عالی از بعضی پسوندها استفاده می‌شود؛ این پسوندها به دو دسته اصلی و غیراصلی تقسیم می‌شوند. پسوندهای اصلی -es- (تفضیلی‌ساز) و -isto- (عالی‌ساز) هستند. کارکرد اصلی پسوند -es- در هندواروپایی بیان معنای تشدید است. این پسوند در اوستایی به صورت -i^hah- و در سنسکریت به صورت (-yāns) -yas- درآمده است. ویژگی تشدید بودن این پسوند در سنسکریت باقی مانده است، اما این خاصیت به اوستایی نرسیده و کارکرد آن ساخت صفت تفضیلی است. این پسوند در دوره میانه و نو تنها در برخی کلمات به صورت فسیل شده باقی مانده است؛ تعداد صفت‌های دارای این پسوند در دوره میانه معدود است. پسوند صفت عالی از ترکیب درجه ضعیف پسوند -es- (یعنی -is-) با پسوندهای مخصوص اعداد ترتیبی -to-، -mh₂o-، -th₂o- است. این پسوند در اوستایی به صورت -išta- و در سنسکریت به صورت -iṣṭha- درآمده است. این پسوند

در ایرانی میانه غربی به صورت‌های پسوند *-īšt* (در پهلوی اشکانی) و *-ist* (در فارسی میانه) درآمده است. برخی صفات عالی، همانند صفات تفضیلی سماعی، بازمانده صفات عالی باستانی مختوم به *-išta** هستند، مانند: *mahist* «مہست، بزرگ‌ترین»؛ این پسوند به فارسی نو نرسیده است و تنها چون جزئی مرده در برخی واژه‌ها دیده می‌شوند مانند: مہست، نخست.

پسوندهای غیراصلی عبارتند از دو پسوند *-tero**، *-tmo**. البته پسوند *-tero** در هندواروپایی دارای مفهوم تفضیلی نیست؛ این پسوند در هندوایرانی و یونانی صفت تفضیلی‌ساز است. استفاده از پسوند *-tero** در کارکرد تفضیلی در این زبان‌ها پیشینه هندواروپایی ندارد و یک نوآوری مربوط به این زبان‌هاست. پسوند *-(t)ero** در اصل پسوندی است که تقابل بین جفت کلمات متضاد را نشان می‌دهد. پسوند *-tm̥mo** در هندواروپایی برای ساخت صفت عالی به کار می‌رفته است. در اوستایی و سنسکریت این پسوندها *-tara-* و *-tama-* (در سنسکریت *-tama-*) شده‌اند. در اوستایی *-tara-* صرفاً برای ساختن صفت تفضیلی به کار می‌رود. در سنسکریت علاوه بر ساختن صفت تفضیلی، این پسوند گاهی برای نشان دادن «تمایز» هم به کار می‌رود، یعنی ویژگی هندواروپایی این پسوند به هندی باستان رسیده است، اما در شواهد موجود اوستایی نشانی از این ویژگی نیست. پسوند *-tama-* (در اوستا *-tama-*) در هر دو زبان صفت عالی‌ساز است. این پسوندها هر دو به دوره میانه رسیده‌اند. پسوند تفضیلی‌ساز در دوره میانه به شکل‌های *-istar* و *-ādar* (در پهلوی اشکانی ترفانی)، *-dar* (در فارسی میانه ترفانی)، *-tar* (در فارسی میانه زردشتی) درآمده است. پسوند صفت عالی‌ساز *-d/tum* و *-istum* است. صفت تفضیلی در فارسی نو، از صفت مطلق با پسوند «تر» (از *-tara-*) ساخته می‌شود. اما پسوند *-tama-* جز به صورت سماعی، به دوره نو نرسیده است و صفت عالی در فارسی نو با پسوند «-ین» (از فارسی میانه *-ēn*) ساخته می‌شوند.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹). دستور تاریخی زبان فارسی، تهران، سمت.
رضائی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). راهنمای زبان پارسی (پهلوی اشکانی)، تهران، ققنوس.
خانلری، پرویز (۱۳۷۷). دستور زبان فارسی، تهران، توس.

- Bartholomae, Ch. 1961. *Altiranisches Wörterbuch*, Walter de Gruyter.
- Beekes, R. S. P. 2011. *Comparative Indo-European linguistics: an introduction*, John Benjamins Publishing.
- Benveniste, E. 1993. *Nom d'agent et noms d'action en indo-européen*, Librairie d'Amérique et d'Orient.
- Brugmann, k. 1972. *Grundriss der vergleichenden Grammatik der indo-germanischen Sprachen*, Walter de Gruyter.
- Cheung, J. 2007. *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*, Brill Academic Pub.
- Kent, R.G. 1953. *Old Persian Grammar, Texts, Lexicon*, Eisenbrauns.
- MacKenzie, D. N. 1971. *A Concise Pahlavi Dictionary*, London: Oxford University Press.
- Meier-Brügger, M. 2003. *Indo-European Linguistics*, Walter de Gruyter.
- Meillet, A. 1964. *Introduction à l'étude comparative des langues indo-européennes*, Alabama University Press.
- Szemerényi, O.J.L. 1990. *Introduction to Indo-European Linguistics*, Oxford: Clarendon Press.
- Tucker, E. 2009. Old Iranian Superlatives in-išta. *Exegisti monumenta: Festschrift in Honour of Nicholas Sims-Williams: 509-526*
- Wackernagel, J. 1954. *Altindische Grammatik, II die Nomalinsuffix*, Vandenhoeck & Ruprecht.
- Whitney, W. D. 1889. *Sanskrit Grammar*, London: Oxford University Press.